



یکی از تیم‌های لیگ برتری قرار گرفت. در همان زمان رسانه‌ها به طعنه نوشتند «میدان دانش این کارشناس ومدارک مربیگری او نامعلوم می‌باشند!!» بگذریم از این که بالاخره این شخص موفق شد در یکی از تیم‌های لیگ برتری به مربیگری بپردازد!

### کارشناسان فوتبال در نمايشگاه کتاب!

اگر با دقت به کتاب‌های ورزشی (بخوانید فوتبالی) موجود در نمايشگاه بين المللی کتاب بنگریم، همه ساله شاهد انتشار کتاب‌هایی هستیم که از نظر محتوا و چیز جدیدی ندارند و به موضوعاتی کاملاً تکراری پرداخته‌اند. اما «نام نویسنده» تضمینی است برای فروش این کتاب‌ها نویسندگان این کتاب‌ها عموماً در تلویزیون به شهرت رسیده‌اند و همین کافی است که برخی از ناشران برای چاپ کتب آن‌ها سرودست بشکنند. بدون توجه به محتوای آن! امسال هم اگر به نمايشگاه بين المللی سر می‌زدید، حتماً شاهد رونمایی یکی از این «پدیده‌ها» بودید!

### چرا از عربها تقلید نمی‌کنیم؟

سالهست که به حضور عده‌ای خاص به عنوان کارشناس عادت کرده‌ایم عجیب آن که تقریباً تمام این اشخاص کارنامه ناموفقی در لیگ برتر داشته‌اند. ظاهراً تمام مربیان موفق و قهرمانان و نایب قهرمانان لیگ‌های اخیر، یا ادبیات مناسبی ندارند یا به هر دلیلی تلویزیون برای همکاری با آنها به توافق نرسیده است. و چنین می‌شود که برنامه‌های ورزشی ماملو از کارشناسانی می‌شود که حتی یک مسابقه را نمی‌توانند قبل از دانستن نتیجه‌اش پیش‌بینی کنند!! یک‌کاش تلویزیون ماهزینه‌ای را که به جیب تمام این افراد می‌بزد به گونه‌ای دیگر خرج کند. مگر در بسیاری از شبکه‌های عربی از یک کارشناس معتبر غیر عرب استفاده نمی‌کنند؟ چه ایرادی دارد که ما هم از اشخاصی جدید و «معتبرتر» استفاده کنیم تا فوتبال مادر سه‌ای جدیدی بیاموزد؟ در دورانی که آرزوی فدراسیون بین‌المللی فوتبال این است که به هر قیمتی به توسعه و تعلیم فوتبال حرفه‌ای و با حساب و کتاب در سراسر دنیا کمک کند، آیا نمی‌توان هماهنگی‌های لازم را به عمل آورد و از کارشناسانی استفاده کرد که حداقل حرفه‌ایشان تا این حد تکراری نباشد؟ یا این که از مربیان خارجی شاغل در لیگ یا تیم ملی استفاده کرد؟ مگر نه این که طی سال‌های اخیر ده‌ها مربی از کشورهای مختلف در کشورمان به کار پرداخته‌اند و بسیاری از آنها نیز کارنامه‌ای موفق به‌جا نهاده‌اند؟ به راستی آیا هیچ کدامشان «لا یق» حضور در یک برنامه نبوده‌اند؟ مگر بحث فتنی قبل یا بعد از مسابقه چقدر زمان می‌برد؟!

### یادی از ZDF و بازی ایران - آلمان

چند خط بالاتر از همسایگان عربی خود مثال زدیم که مسابقه ورزشی شان بسیار کمتر از ما است اما گام‌هایشان بسیار حرفه‌ای تر و استوارتر است. نخواستیم از کشورهای صاحب نام فوتبال نام ببریم. به همین خاطر فقط به یک مثال بسنده می‌کنیم. سال ۱۳۸۳ که تیم ملی آلمان برای کمک به زلزله‌زدگان به ما حاضر به برگزاری بازی دوستانه با ایران شد، برنامه‌های ورزشی آلمان می‌توانستند از کارشناسان فراوانی استفاده کنند که نامور تر و با دانش تر از «راینر زویل» باشند اما شبکه ZDF در هنگام برگزاری این دیدار از «زویل» استفاده کرد. زیرا او در آن زمان در فوتبال ایران مربیگری می‌کرد و طبیعی بود که نسبت به همه مربیان و کارشناسان ژرمن، به فوتبال آن روز ایران (حریف آلمان) آشناتر است. آیا همین انتخاب دقیق را نمی‌توان مشتاقانه از خروار در نظر گرفت؟ وقتی کشورهای دیگر تا این حد برای یک مسابقه ارزش قائل می‌شوند دست به چنین انتخاب دقیقی می‌زنند، آیا نباید پیشرفتهای آنها در زمینه‌های مختلف را طبیعی دانست؟

### حرف آخر

سخن را کوتاه می‌کنیم. از قدیم گفته‌اند «یک سوزن به خودت بزنی جوالدوز به مردم!» کاش رسانه ملی به جای نقد و بررسی «اشتباهات» مربیان، بازیکنان و مسوولین داخلی و خارجی، برای یک بار هم که شده، خود را نقد کند!

مربی برنده نمی‌باشد. نمونه بارز آن شکست‌های پیاپی مورینیو در چلسی مقابل لیور پول «رافائل بنیتز» بود. مورینیو هرگز در برابر بنیتز موفق نبود. اما آیا این به معنای برتری مطلق رافائل بنیتز در برابر مورینیو بود؟ به هیچ وجه!

### وقتی بارسلونا باخت

آن چه حیرت‌انگیز بود، نه باخت بارسلونا بلکه تغییر نگاه کارشناسان رسانه‌ای بود! شکست تیمی که تا دیروز غیرقابل شکست بود، به یک باره امری قابل پیش‌بینی شد! (حتی با این که تیم حذف‌کننده بارسلوناده نفره بود و با ده بازیکن دو گل در نیوکمپ به ثمر رساند!) وقتی هم که گوار دیولاد از هدایت بارسلونا کناره‌گرفت به ناگهان به یک مربی باهوش بدل شد که تمام دانسته‌های خود را طی سه سال به کاتالانها انتقال داده است و حالا دیگر حرف جدیدی برای آموزش ندارد! (۱)

### جمله‌ای زیبا از «بلاگو تمان»

نمی‌دانم «بلاگو تمان» مجار را تا چه حد می‌شناسید. مربی اسطوره‌ای تاریخ بنفیکا لیسبون که این تیم بر تعالی رادو بار پیاپی قهرمان جام قهرمانان اروپا کرد. نگاهی اجمالی به کارنامه گوتمان نشان دهنده تأثیر شگرف او در فوتبال اروپا و آسیا و آمریکای جنوبی می‌باشد. شگفتا که تنها یک بار در «رسانه ملی» خود، نام گوتمان را شنیدیم. آن هم قبل از دربی منچستر و هنگامی که کارشناس برنامه؟! جمله‌ای از او نقل کرد «یک مربی تنها می‌تواند ۳ فصل در یک تیم با موفقیت عمل کند و پس از آن، چیز جدیدی برای عرضه ندارد!» معلوم نیست کارشناس برنامه که تا این حد درباره گوتمان اطلاع داشت، چرا یک بار در پایان فصل ۱۱-۲۰۱۰ (پایان دومین فصل حضور گوار دیولاد در بارسلونا) یا آغاز فصل ۱۲-۲۰۱۱ (آغاز سومین فصل مربیگری پپه در نیوکمپ) این جمله را بر زبان نیاورد؟! شاید چون برایش پذیرفتنی نبود که جمله «بلاگو تمان» درباره گوار دیولاد صدق کند! این درد بزرگی بود که به دلیل آن ترجیح می‌دادم نظرات کارشناسان تلویزیونی هارا نشنوم!

### بیچاره جواد خیابانی!

طی چند سال اخیر هر وقت گزارشی به جواد خیابانی رسید، فردای آن روز در سایتهای، وبلاگها و مطبوعات ستونی مخصوص «سوتی‌های خیابانی» تشکیل شد و همه به ایرادات گزارشی او تاختند! اما به راستی... آیا تمام ضعف‌های تلویزیون مادر گزارش یک نفر خلاصه شده است. آیا هیچ‌گاه نیاز نیست که سایر گزارشگران، کارشناسان و تهیه‌کنندگان مورد نقد و بررسی قرار بگیرند؟! ظاهراً «رسانه ملی» سکوی پر تاب برای بسیاری از گروه‌های ذکر شده است. نمونه بارز آن شخصی بود که به شکلی ناگهانی به عنوان کارشناس در یکی از برنامه‌های تلویزیون مطرح شد. یکی دو روز پس از نخستین حضور این کارشناس؟! مشغول صحبت با «بیژن فرخجسته» پیشکشوت فوتبال بودم. او گفت: این آقا کیه؟ در لایه‌های حرفه‌ایش مرتباً از لغات انگلیسی با تلفظ غلط استفاده می‌کرد!! اندکی بعد همین کارشناس مورد توجه

**سالهست که به حضور عده‌ای خاص به عنوان کارشناس عادت کرده‌ایم عجیب آن که تقریباً تمام این اشخاص کارنامه ناموفقی در لیگ برتر داشته‌اند. ظاهراً تمام مربیان موفق و قهرمانان و نایب قهرمانان لیگ‌های اخیر، یا ادبیات مناسبی ندارند یا به هر دلیلی تلویزیون برای همکاری با آنها به توافق نرسیده است**